دیگر زیر چترهای ارمغان بهزیست شانس نمی فروشند

رویا ملکی
Royaaa 2002@Yahoo.com

دقت کردید که چند ماهی است زیر چترهای زرد و قرمز رفاه اجتماعی شانس را چوب حراج نمی زنند. «یک برگه بخر، یک شبه ۵۰میلیون تومان ببر!»

شانس! شانس! شانس! با مشارکت ملی شما در جمع کردن پول هایی که حسابش از دست خودمان هم در رفته، مشارکت می کنیم و اصلاً سلامت ملی را به خطر نمی اندازیم، کافی است شما زیر چتر رفاه اجتماعی ما، برگه بخرید هر چه بیشتر بهتر!

برگه های ارمغان بهزیستی که قریب به دوسال در دو دوره، دو ساله (۱۳۷۳ تا۱۳۷۵) و (۱۳۷۵تا ۱۳۷۷) با شعار مشارکت ملی، سلامت ملی و رفاه اجتماعی شانس را با مضامین کار فرهنگی، آگاه سازی و پیشگیری از بروز آسیب ها و معلولیت ها به بازار فقر القا کردند، بیش از نیم سال است که باروزدن به پول ها را رها کرده اند.

«برگه های مسابقه را به قصد خیر تهیه کنید، شما با تهیه برگه های ارمغان بهزیستی به مؤسسه ارمغان بهزیست (وابسته به سازمان بهزیستی کشور) اجازه می دهید تا هدایای این طرح ملی را از محل تهیه برگه ها به نیکوکاران اهدا نماید.»

اینها هم با شعار مشارکت ملی در سلامت ملی بود که ذهن هزار، هزار نیکوکار کوچک را می خرید، که در قبال نیت خود جایزه بگیرند.

به هر حال ارمغان بهزیست ۳۳ دوره برگزار شد بدون آنکه تعداد بلیت های فروش رفته شفاف باشد. مقدار پول های آن و یا حتی درآمد خالص آن حالا بماند نه هزینه تبلیغات آن مشخص بود نه هزینه توزیع و جوایز آن، نه درآمد رسیده به بهزیستی و نه اینکه این درآمدها تا به امروز صرف چه اموری شده است. تنها پای هر برگه نوشته شده بود «به نیکوکاران عزیز بعداً می گوییم».

از دوره چهارم طرح تا دوره پانزدهم که برگه هایش در دسترس است، بسافونتی نه چندان ریز نوشته شده: «کمک های مالی سازمان بهزیستی کشور از درآمدهای مسابقه بزرگ ارمغان بهزیستی (مرحله چهارم)۱- پرداخت به بهزیستی استان تهران بابت هیأت امنا مرکز نمونه ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۲-پرداخت به بهزیستی استان تهران بابت تکمیل ساختمان توانبخشی بلوار شهید اشرفی اصفهانی ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۳-پرداخت به دانشگاه علوم پزشکی ارومیه بابت تجهیز بخش آموزشی و درمانی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۴-پرداخت به بهزیستی استان اصفهان بابت کمک به هیأت امنای حضرت رقیه (س) ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۵-پرداخت به بهزیستی استان های کشور بابت کمک به محرومین و نیازمندان ۷۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

«موارد بعدی، متعاقباً به آگاهی شما نیکوکاران عزیز خواهد رسید.»

این تنها ۸۷ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان از پول های بی مقدار ارمغان بهزیست است که با جمع ۳۰ میلیون تومان با ۵۰میلیون برنده اول، ۲۰ میلیون برنده دوم، ۱۰ میلیون برنده سوم و پنج جایزه یک میلیونی می شود ۱۷۲ میلیون و نهصد هزار تومان. بماند به جز ۹۰ میلیون تومان جوایز نقدی کوچک و ۳۰ میلیون تومان جوایز غیر نقدی و سهام قابل عرضه در بازار بورس اوراق بهادار که خدا می داند به برنده ها دادند یا نه!

به هر حال تا دوره پانزدهم پای هر برگه داد می زدند پول ها را در اینجاها خرج کردیم که در دوره های آخر همین دلخوشی را هم گرفتند.

«سازمان بهزیستی کشور، با پول های شما چه کرده است، قسمت سوم»! این شعار را که واقعاً هم معلوم نیست چه کرده است را پای برگه ۱+۱۲ (دوره سیزدهم) زده بودند یعنی ده دوره بعد مشخص شد (آن هم نه به طور شفاف) که پول های دوره سوم چگونه خرج شده است و در دوره چهاردهم و پانزدهم هم همین طور درست ده دوره گذشت تا مردم از هم سؤال کردند پول های دوره چهارم کجا رفت؟ با توجه به این روند و با عقب ماندگی ده دوره ای ارمغان بهزیست، قطعاً تا دوره ۲۳ تنها پول های خرج شده دوره ۱۳ مشخص شده که آن هم جزو شایدها و انشاءالله ها و محال هاست و ده دوره ۱۳ تا ۲۳ مشخص نیست که چه بلایی به سر پول های مردم آمده است به هر حال این هم یک مشارکت است؛ شما پول بدهید ما خرج می کنیم!

آقای غلامرضا انصاری شما که مدافع طرح بزرگ و ملی ارمغان بهزیست بودید؛ برای میلیون ها برگه بی سرنوشت که در دست مردم است جوابی دارید؟ آیا هنوز مثل گذشته در جلسات مطبوعاتی خود با دفاع از طرح ارمغان بهزیست می توانید بگویید درآمد خالص ارمغان بهزیست چقدر بود؟ کجا رفت؟ چگونه خرج شد؟ و بالاخره پول های مردم چه شد؟

وی در خصوص مدیریت جدید ارمغان گفت: «ایشان منصوب محمدرضا راه چمنی بودند قبلاً در شرکت های وابسته به سپاه فعالیت داشتند و درست یک هفته پس از پذیرش سمت مدیریت ارمغان دستگیر و راهی اوین شدند». او بلافاصله می افزاید: «ارمغان شفاف ترین گزارشات مالی را دارا است که قابل دسترسی است.»

وی در پاسخ به این سؤال که چرا غلامرضا انصاری رئیس سابق سازمان بهزیستی کل کشور با وجود آگاهی به مشکلات این طرح و نیز شکست آن در سال های قبل مدافع همیشگی ارمغان بود گفت: «ایشان [غلامرضا انصاری] پایه گذار این طرح بزرگ ملی بودند و بسته به چاپ و فروش ماهیانه برگه ها از ۳۰ تا ۴۰ درصد از سود خالص ارمغان بهزیستی به بهزیستی پرداخت می شد.» با این سخن علت حمایت انصاری سابق بهزیستی از طرح ارمغان بهزیست روشن تر می شود!

دولتی بودن، سد انتشار ارمغان بهزیست

عکس: شهرام نادرانی

وی ایجاد کرده که باعث رکود آن شده است. «این مسؤول پیشین ارمغان بهزیست تأکید کرد: «تمام مسائل قانونی ارمغان حل شده بود و در دوره جدید مدیریتی ارمغان، ضعف مدیریتی باعث رکود شده است.»

درست سال ۱۳۷۳ هنگامی که اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری وقت برای افتتاح طرح ارمغان بهزیستی قیچی به رمان زد هیچ کس فکر نمی کرد دولتی بودن طرح مانع استمرار آن شود که به استاد گفته های غلامرضا انصاری، رئیس بهزیستی وقت، دلیل تعطیلی طرح در سال ۷۵ (پس از دو سال) طراحی آن در قالب ساختار دولتی بود.

پول هایی که مردم (به گفته مسؤولان ارمغان بهزیست «نیکوکاران عزیز») برای خرید برگه های ارمغان بهزیست می پرداختند، به حساب خزانه می رفت، ولی برای پرداخت جوایز به برندگان امکان برداشت از خزانه منتفی بود.

مرحله دوم فروش اوراق ارمغان بهزیست در دوراه از سال ۷۶ آغاز شد ولی باز هم دلیل برای این توقف رکود بود که برای مخاطبان جذابیتی نداشت، اعتماد مردم کم بود و به قول هایی که داده شده بود عمل نشد.»

این دلیل شکست مرحله دوم که در پایان به صراحت بیان شده که به قول و قرارها عمل نشد. نه جایزه ای در کار بود نه پول هنگفت یک شبه ای، فقط چند دوره پول جمع شده و پول جمع شد.

دوره سوم از سال ۷۷ و به امید رفع نواقص آغاز شد. هدف اول، توجه به مشکل شرعی کار بود، «آقایان همه نظرات مثبت دادند تا هیچ ذهنیتی برای مردم نیکوکار عزیز پیش نیاید. بعد در هر روزنامه ای که می رسیدند یک صفحه استفتاء چاپ کردند، هم پول آگهی دادند هم بلیت بخت آزمایی (ارمغان بهزیست) به هر حال این همه مسؤولان آماده بود «مسابقه ارمغان بهزیستی در این دوره (دوره دوم) صرفاً صبغه فرهنگی داشت و این بعد آن بر همه جهات بزرگتر نمود می کرد، ولی هدف تنها تنها پیشگیری از معلولیت خدا را شکر طرح نه مشکل شرعی دارد و نه مشکل دولتی بودن! البته به گفته یکی از دست اندرکاران ارمغان که بسیار هم مایل بود اصلاً به بحث ارمغان بهزیست پس از این بگیر و ببند ها و جمع شدن این طرح پرداخته نشود: «ارمغان بهزیست بسیار شفاف عمل کرده است ولی صداو سیما مشکلاتی را برای این طرح ملی دردسر برای بعد اقتصادی این طرح بود که به گفته مسؤولان «در اولویت های پنجم، ششم بود» اول هدف فرهنگی بود و رضایت خدا و کمک به محرومان و آگاه سازی و جلوگیری از معلولیت و آخر آخر پول! استفتائات مشروط به زیرنوشت بود؛ که خریداران نباید هدف برنده شدن داشته باشند و تنها شرط درستی آن از نظر شرعی، انگیزه خریداران بود؛ بعضی از علما هم در متن استفتاء آورده بودند که نباید بیک کمک به معلولان باشد نه برنده شدن؛ که از نظر اسلام، هر گونه عملی که به منظور شرکت در قرعه و بردن جایزه باشد و پولی که در این میان دریافت و پرداخت می شود مردود است که از نظر اسلام لاتاری و قرعه رد شده است؛ به خصوص که اگر کمک کننده جایزه ای که می گیرد از پول کمک کنندگان دیگر باشد.

آنچه در خرید برگه ها دیده و شنیده می شد همه چیز بود جز نیت کمک به معلولان. به هر حال ارمغان بهزیستی در دوره های اول و دوم توسط بهزیستی برگزار شد و در هر دو دوره با شکست مواجه شد تنها به این دلیل حاصل برگزاری این مسابقه، که توسط ارگان دولتی بود باید به صندوق دولت واریز می شد و این نکته زیاد باب میل نبود، برداشت غیرممکن از خزانه دولت به ناچار در دوره سوم، بهزیستی را وادار به راه اندازی مؤسسه کرد. «مؤسسه ارمغان بهزیست وابسته به سازمان بهزیستی»؛ به این ترتیب یه پول ها به حساب دولت می رفت و نه نظارت آنچنان بود که حتی شتر با بارش پیدا نشود چه برسد به مو از ماست!

اما همین به دست آوردن پول بدون زحمت و رفتن ره صد ساله در یک شب هم نیمه کاره ماند، مانند بسیاری از معماهایی که به تناوب از همین قبیل در جامعه ما نمودار می شود.

به گفته یک کارشناس اقتصادی، «ارمغان بهزیستی؛ ارمغان اعمال سیاست های اقتصادی خاص بود» سیاست هایی که از فرد در جامعه شروع می شود ولی هدف پیوستن به اقتصاد جهانی است. ارقام و آمارها، رشد می کند شاخص ها تغییر می کند و آنچه مهم است، شکست ناپذیری در بازار رقابت است. ارمغان بهزیست هم از این قافله عقب نماند، چترها را جمع کرد وتورها را پهن و فروش اینترنتی در جهان را آغاز کرده است یک لاتاری شاید هم عجیب تر. ولی سیستم بانک مرکزی نتوانست آنها را به خوبی حمایت کند و راه اندازی طرح اینترنتی ارمغان بهزیست همچنان منتظر جمع شدن کادر ویژه چند نفره ارمغان است که اسامی آنان زیاد هم غریب نیست.

برای کسب اطلاعات بیشتر به دنبال «غلامرضا انصاری» تمام مازندران را گشتیم، او اکنون استاندار مازندران شده است. پیغام می گیرد ولی به دلیل حجم بالای کاری و جلسات پی در پی از هشت صبح تا ۱۰ شب نمی تواند پاسخگو باشد! با شماره تلفن های گذاشته شده هم تماس نگرفت. پیغام ها را هم یا نشنید یا به او نگفتند و ما نتوانستیم حتی یک سؤال از او بپرسیم.

آقای غلامرضا انصاری! شما که مدافع طرح بزرگ و ملی ارمغان بهزیست بودید؛ برای میلیون ها برگه بی سرنوشت که در دست مردم است جوابی دارید؟ آیا هنوز مثل گذشته در جلسات مطبوعاتی خود با دفاع از طرح ارمغان بهزیست می توانید بگویید درآمد خالص ارمغان بهزیست چقدر بود؟ کجا رفت؟ چگونه خرج شد؟ و بالاخره پول های مردم چه شد؟